عنوان:

شخصیت برزخی انسان

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | t-154 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/تغییر بینش/نسبت به نظام آفرینش |
| برچسب | تغییر نگرش، تقوا، برزخ، اعمال، شخصیت، انسان، عوالم هستی |
| توضیحات |  |

عمل این انسان دائماً در حال به وجود آمدن است. ممكن است سؤال به ذهن برسد كه مثلاً كسی كه پنج ساعت است كه ساكت نشسته، چه عملی انجام می‌دهد. اما از دیدگاه لطیف آن عالم، در همین ساكت بودن هم فرد در حال عمل است. با چه نیتی نشسته است؟ او قبل از ساكت شدن در اعضا، در نیت قصد سكوت کرد و فعلی از او صادر شد، و به اعضا حركت كرد.

مطابق نظر برخی از علما، اسم هیكل آن عالم را [كه توضیح داده شد] شخصیت می‌گویند.

اما در نظر عموم، از شخصیت معنای ظاهری بسیار پایینی شده است و معمولاً كسی كه دو زانو بنشیند و برخی اداها را داشته باشد، آدم باشخصیتی است. شخصیت، آن حقیقتی است كه در اثر تولیدات حركت این عالم یعنی افعال ما كه از نیت صادر شده، مأمور مربوطه می‌گیرد و حقیقتی را درست می‌‌كند كه آن حقیقت، طوری لطیف است كه امكان درك آن در این عالم، وجود ندارد. محال است علم روزی بتواند آن را بفهمد. تازه اگر بفهمد، اینقدر می‌تواند بفهمد كه هر حركتی كه انجام می‌دهم، از بین نرفت. بلكه بلافاصله گرفتند و از آن چیزی درست كردند. پس این حركات من در همان آن كه تكان می‌دهم با هر نیتی، آن فعل فوراً پیكره عضوی شد. خود آن چه هست در این عالم، قابل درك نیست و محال است بتوان آن را فهمید. همچنانكه دیدن و نور را نمی‌توان در عالم رحم مادر فهماند.

همه عذاب و بهشت و جهنم، همه این ها در خودت است؛ اما درك آن محال است.

چون در نظام این عالم هستیم. اما وحی همین قدر به من می‌فهماند كه همین كه از نظام این عالم بیرون آمدید و چشم و گوش و افئده دادیم، از این به بعد، اختیار ساخت خودت را به خودت دادیم.

پس ما در این عالم كه قرار گرفتیم، خون این عالم (اعمال من) دائماً در حال حركت است و ملائكه مربوطه این ها را می‌گیرند و چیزی درست می‌كنند. اما برخی به علت ضعف فهم آیات و روایات تصور می‌كنند این که گفته شده ملائكه اعمال انسان را می‌نویسند، مثلاً كاغذ طولانی خاصی دارند و نوشتن معمولی منظور است. و بعد با این علوم جدید آشنا می‌شویم وباعث می‌شود كه دین را از چشم ما بی‌اندازند و شبهه ایجاد ‌كنند. این نامه اعمال نه به آن معناست؛ بلكه وقتی مثلاً چشم با نیت نامحرم نگاه می‌كند، این فعل در شخصیت عالم بعد به میله آهنی تبدیل می‌شود كه مرتب به این چشم فرو می‌رود و درمی‌آید.

بعضی هم در این طرف و آن طرف و در مهمانی‌ها می‌نشینند و این حقایق را مسخره می‌كنند و روشنفكرانه مثلاً می‌گویند اگر میله آهنی باشد، سَرم را كنار می‌كشم تا به چشمم نخورد!! نمی‌تواند بفهمد كه این چیزی در خودت است؛ مثل كوری مادرزاد كه در خودت است. اگر می‌توانی از آن فرار كنی از این هم فرار كن. این فعل تو در نظام هستی است. در آن جا می‌فهمی كه قضیه یك جور دیگر شد. آن مثال بیابان و باتلاق گندیده و تاریك و وحشتناك و حیوانات وحشی و... [كه زدیم] چه بوده؟ چیزی جدا از خودت نیست. فلان گناه را انجام دادی، مأمور مربوطه شخصیتی را از تو ساخته كه این چنین است. یا مثلاً بعد از مدتی توبه كردیم، در آن عالم هم بعد از مدتی، دوستی بسیار زیبا می‌بینیم كه آمد و مرا نجات داد و به باغی برد با لذت‌های خودش. اگر توبه نمی‌كردیم، تا آخر همین عذاب بود. در آن عالم تمام اعمال ما، خود ما می‌شویم با یك وضع بسیار عجیبی. نمونه این را در عالم رؤیا، خداوند نشان می‌دهد. تازه این پرده بسیار ضعیفی است از عالم برزخ. در مورد پل صراط ایت الله دستغیب(ره) دارند كه: پل صراط برای بعضی‌ها پهن می‌شود و برای بعضی‌ها آن قدر نازك كه در آتش می‌‌افتند. برای بعضی‌ها آن قدر طول می‌كشد و برای بعضی، اصلاً نمی‌فهمند كی رسیدند و از جهنم رد شدند.

در ساختن بدن و... تا این جا، اختیار در دست من نبود؛ اما از این به بعد اختیار را دست خودم داده‌اند. پس تمام واجبات و محرمات و مكروهات و مستحبات، معنای بسیار وسیع و حقیقتی دارند و قراردادی نیستند. تمام این ها آجرها و مواد ساختاری ماست كه دارد تبدیل می‌شود به یك زندگی حقیقی و لطیف، در برابر یك زندگی مجازی و زودگذر كه در آنیم. با این دید فطری اگر به قضیه نگاه كنیم، هر لحظه ارزش خاصی پیدا می‌كند و در ما هدف و رشد و توجه و دید بازتری می‌دهد و همان مقدار، اعمال ما هم عمق و معنی پیدا می‌كند.

کتاب فطرت- پایگاه ندای پاک فطرت